

الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران به روش نظریه پردازی زمینه بنیان^۱

سید حسین سجادی*، توحید کاظمی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۵/۱۰

چکیده

تحقیق حاضر در تلاش است با ترکیب روش‌های تحقیق کیفی با استفاده از رویکرد نظریه پردازی زمینه بنیان و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک، الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی را در بستر فرهنگی، اقتصادی و حقوقی کشور ارائه نماید. جامعه آماری تحقیق خبرگان صاحب نظر در خصوص پدیده صورت‌های مالی متقلبانه هستند که با توجه به هدف تحقیق، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه انتخاب شده‌اند. افزون بر مصاحبه‌های انجام شده، به منظور افزایش اعتبار و جامعیت تحقیق، اسناد و مدارک موجود در خصوص گزارشگری مالی متقلبانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به دقت مطالعه، بررسی و تحلیل شده است. پس از کسب نظر خبرگان و مطالعه دقیق اسناد، مدارک و گزارشات، عامل فشار به عنوان شرط علی گزارشگری مالی متقلبانه شناخته شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران نیز بر گزارشگری مالی متقلبانه موثرند. طرح‌های تقلب در گزارشگری مالی در بستر فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استاندارد حسابداری کشور به عنوان شرایط زمینه‌ای و نظام راهبری شرکتی، کنترل داخلی و کیفیت حسابرسی به عنوان شرایط مداخله‌گر متولد می‌شوند. در تحقیق حاضر ۲۵ طرح تقلب در صورت‌های مالی و اجزاء آن‌ها شناسایی شده است. افزون بر این، پیامدهای تقلب در گزارشگری مالی در دو سطح صورت‌های مالی و بازار سرمایه طبقه‌بندی و تفسیر شده است.

واژه‌های کلیدی: حسابداری دادگاهی، طرح تقلب، گزارشگری مالی متقلبانه، نظریه پردازی زمینه بنیان.

طبقه بندی موضوعی: M42, K42, K13

^۱ کد DOI مقاله: 10.22051/jera.2016.2542

* استاد گروه حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، (sajadi@scu.ac.ir)

** دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه شهید چمران اهواز، نویسنده مسئول، (t-kazemi@phdstu.scu.ac.ir)

مقدمه

اعتماد به صحت اطلاعات، سنگ بنای بازارهای سرمایه است و گزارشگری مالی متقلبانه این اعتماد را خدشه دار می‌کند (رضایی، رایلی، ۲۰۱۰). طبق تعریف انجمن بازرسان رسمی تقلب، هر عمل غیر قانونی است که دارای ویژگی‌های نیرنگ، پنهان کاری و خیانت در امانت باشد تقلب است. طبق تعریف جامعه حسابداران رسمی آمریکا، تقلب یک مفهوم گسترده حقوقی است که تفاوت آن با اشتباه، خودآگاه یا ناخودآگاه بودن آن عمل است. در منابع حقوقی کشور، تقلب در کنار کلاهبرداری بکار رفته است که طی قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۴ مجلس شورای اسلامی تعریف می‌شود. استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران نیز تقلب را هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث، برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیرقانونی تعریف می‌کند.

طی سال‌های گذشته، فرضیه‌ای در توضیح شرایط وقوع تقلب، توسط دونالد آر کریسی در سال ۱۹۵۳ ارائه شد که امروزه به مثلث تقلب^۱ معروف است (کرانچر، رایلی، ولز، ۲۰۱۱). مثلث تقلب شامل سه راس فشار، فرصت و توجیه است. در سال ۲۰۰۴، ولف و هرمانسون با افزودن ضلع چهارم با عنوان "قابلیت فرد متقلب" به مثلث تقلب، مدل لوزی تقلب را معرفی کردند (کاسم، هیگسن، ۲۰۱۲). انجمن بازرسان رسمی تقلب، تقلب‌های حرفه‌ای را در سه مقوله فساد مالی^۲، سوء استفاده از دزایی^۳ و تقلب در صورت‌های مالی^۴ طبقه‌بندی می‌نماید (صدیقی کمال، ۱۳۹۲). طبق گزارش ۲۰۱۶ این انجمن، گزارشگری مالی متقلبانه از لحاظ فراوانی کمتر از دیگر انواع تقلب و از لحاظ اثر مالی بیشترین زیان را به شرکت‌ها تحمیل کرده است. طبق تعریف این نهاد، تقلب در صورت‌های مالی ارائه نادرست، حذف اقلام و افشا نکردن کافی اطلاعات به منظور فریب کاربران صورت‌های مالی، به خصوص سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان است.

امروزه، مسئله تقلب به یکی از مباحث اساسی در اقتصاد کشور تبدیل شده است. با توجه به عضویت سازمان بورس و اوراق بهادار در جمع اعضای سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار، الزام به ارتقاء کیفیت اطلاعات مالی، توجه ویژه به جذب سرمایه‌گذاران خارجی در شرایط پسابرجام، افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده و استمرار روند خصوصی سازی در کشور، توجه به گزارشگری مالی متقلبانه اهمیت ویژه‌ای دارد. علی‌رغم اهمیت رسیدگی به

مصادیق گزارشگری مالی متقلبانه و اطلاع رسانی آن، فهرست شرکت‌های متقلب و مصادیق تقلب در صورت‌های مالی توسط هیچ ارگان یا نهادی در کشور ارائه نمی‌شود.

افزون بر این مطالعه تحقیقات پیشین داخلی، یک شکاف اساسی تحقیقاتی را در زمینه گزارشگری مالی متقلبانه نشان می‌دهد و آن عدم ارائه الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی است. معدود بررسی‌های انجام شده به مطالعات تطبیقی، بررسی و معرفی ساز و کارهای موجود در دیگر کشورها پرداخته‌اند. به نظر می‌رسد ارائه الگوی جامع تقلب در گزارشگری مالی در بستر فرهنگی، اقتصادی و حقوقی کشور و مورد توافق خبرگان ضروری است و می‌تواند مورد استفاده محققین، حساب‌رسان، بازرسان و مراجع مسئول قرار گیرد. تحقیق حاضر تلاش می‌کند با ترکیب روش‌های تحقیق کیفی با استفاده از رویکرد نظریه پردازی زمینه بنیان و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک به این سوال پاسخ دهد که "الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی در کشور چیست؟"

نتایج تحقیق نشان می‌دهد عامل فشار به عنوان مهم‌ترین شرط علی منجر به تولد طرح‌های تقلب در بستر فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استانداردهای حسابداری کشور (شرایط زمینه‌ای) می‌شود. افزون بر این نظام راهبری شرکتی، کنترل داخلی و کیفیت حسابرسی به عنوان شرایط مداخله‌گر در میزان وقوع تقلب موثرند. پیامدهای تقلب در گزارشگری مالی در کشور در دو سطح صورت‌های مالی و بازار سرمایه مشهود است که هر یک از موارد در ادامه به تفصیل بررسی شده است.

مروری بر پیشینه

با توجه به تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین در حوزه گزارشگری مالی متقلبانه از جنبه روش تحقیق و جامعیت پژوهش، در ادامه به تعدادی از تحقیقات مشابه در این حوزه اشاره می‌شود.

آلبرجت و همکاران (۲۰۱۵) در مقاله‌ای اثر قدرت بر گزارشگری مالی متقلبانه را بررسی کردند. آنان برای نمایش چگونگی استفاده از قدرت در جلب مشارکت افراد دیگر در فرآیند گزارشگری مالی متقلبانه از مدل رده بندی قدرت فرنچ و راوان استفاده کردند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که فرد الف با استفاده از تطمیع، تهدید، قدرت قانونی، مهارت حرفه‌ای و توجیه فرد ب را به مشارکت در تقلب فرا می‌خواند.

محمد و اسچاچلر (۲۰۱۴) در تحقیقی موردی در کشور مالزی، از طریق مصاحبه با مدیران، حسابرسان و قانون گذاران روش های بالقوه مبارزه، کشف و تعامل با تقلب در صورت های مالی را بررسی کرده اند. نتایج تحقیق آنان بر اهمیت توسعه سیستم های (کنترل) داخلی در پیشگیری و کشف گزارشگری مالی متقلبانه تاکید می کنند.

رضایی (۲۰۰۲) در پژوهشی، با مطالعه موردی موارد گزارشگری مالی متقلبانه بر نقش حساب سازی در فرآیند تقلب تاکید کرده و جایگاه قانون ساربنز آکسلی در بهبود نظام راهبری شرکتی را تبیین نموده است. او پنج عامل موثر در وقوع، کشف و اجتناب از تقلب در گزارشگری مالی را شناسایی می کند. این عوامل به ترتیب عبارتند از: شخص متقلب، طرح تقلب، انگیزه تقلب، فرآیند نظارت و نتایج نهایی تقلب در صورت های مالی.

مرادی، رستمی و زارع (۱۳۹۳) به شناسایی عوامل موثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می دهد بین عوامل خطر مرتبط با شرایط بازار و صنعت، ویژگی های عملیاتی، نقدینگی و ثبات مالی با احتمال وقوع تقلب رابطه معنادار وجود دارد. همچنین رابطه معنادار بین عملکرد شرکت و ریسک تقلب برقرار است.

پورحیدر و بذرافشان (۱۳۹۰)، اقدام به رتبه بندی بسترهای خطر تقلب با توجه به میزان اهمیت آنها در کشف تقلب مدیریت پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می دهد، مهم ترین بستر خطر تقلب، "وابسته بودن بخش عمده ای از حقوق و مزایای مدیران به نتایج عملیات، وضعیت مالی یا جریان وجوه نقد" است.

شیخ و نیک بخت (۱۳۸۳) اهمیت علایم هشداردهنده تقلب را از طریق توزیع پرسشنامه و از منظر مدیران مالی و اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران بررسی کردند. نتایج اجرای تکنیک تحلیل عاملی در پژوهش آنان نشان می دهد علایم هشداردهنده تقلب از ۵ عامل به ترتیب ریسک پذیری و خطر جویی، ویژگی های مدیریت، ویژگی های اقتصادی، بی ثباتی، ناتوانی و ناکافی بودن سودآوری و ویژگی های ساختاری اشباع شده اند.

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی است. فرهنگی و صفرزاده (۱۳۸۷) تحقیق کیفی را مطالعه پدیده ها در موقعیت طبیعی خود و تلاشی برای تفسیر قابل فهم از معانی تعریف می کنند.

با توجه به اینکه هدف تحقیق، شناسایی و تبیین الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی در کشور است لذا سوال تحقیق را می‌توان به شرح زیر صورت‌بندی کرد:

الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی در کشور ایران چیست؟

تحقیق حاضر از نظر موضوعی در حوزه شناسایی الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی قرار دارد. با توجه به ترکیب روش‌های تحقیق کیفی در پژوهش حاضر، در مرحله اول از رویکرد زمینه بنیان استفاده شده است. نظریه پردازی زمینه بنیان روشی است که هدف آن شناخت و درک تجارب افراد از رویدادها و وقایع در بستری خاص است. در نظریه زمینه بنیان الگوی گردآوری داده‌ها متفاوت است و فعالیت‌های گردآوری و تحلیل داده‌ها به‌طور همزمان انجام می‌شود. در این خصوص، مصاحبه روش مناسبی برای گردآوری داده‌ها در نظریه پردازی زمینه بنیان است (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲).

با توجه به هدف تحقیق، داده‌ها از طریق مصاحبه ساختار نیافته و با رویکردی اکتشافی گردآوری شده‌اند. این مرحله از تحقیق در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. جامعه آماری تحقیق حاضر مدیران ذیربط در حرفه حسابداری شامل شرکای مؤسسات حسابداری معتمد سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیران سازمان حسابداری، مدیران نهادهای نظارتی و سازمان بورس و اوراق بهادار، کارشناسان رسمی دادگستری، استادان حسابداری و دیگر صاحب نظران در زمینه گزارشگری مالی متقلبان است. با توجه به هدف تحقیق در این بخش، از روش نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه استفاده شده است. نمونه‌گیری گلوله برفی یا زنجیره‌ای یعنی انتخاب شرکت کنندگانی که به نحوی با یکدیگر پیوند دارند و پژوهشگر را به دیگر افراد همان جامعه راهنمایی می‌کنند (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲). پس از انجام ۱۱ مصاحبه با خبرگان، داده‌های گردآوری شده به اشباع رسیده و نیازی به انجام مصاحبه‌های جدید وجود نداشت. مدت هر مصاحبه بطور متوسط ۱ ساعت و ۳۰ دقیقه بوده است. در نگاره ۱ مشخصات خبرگانی که با آنان مصاحبه به عمل آمده است، ارائه شده است.

نگاره (۱): مشخصات مصاحبه شونده‌گان

کارشناسی ارشد	دکتر	
۲	۳	سازمان بورس و اوراق بهادار
۲	۳	شریک موسسه حسابداری
۲	۴	کارشناس رسمی دادگستری
۰	۷	عضو هیئت علمی و مدرس دانشگاه

برای تحلیل داده‌ها (مصاحبه‌ها)، سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی استفاده شده است. کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی است که با آن مفاهیم شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن‌ها در داده‌ها کشف می‌شوند. کدگذاری محوری فرآیند مرتبط کردن مقوله‌ها به مقوله‌های فرعی و کدگذاری گزینشی شامل یکپارچه کردن و پالایش نظریه می‌شود (استراوس و کرین، ۱۳۹۴). در مرحله کدگذاری باز، جملات اصلی از متن مصاحبه‌ها استخراج و کدگذاری گردید. به عنوان مثال فرآیند کدگذاری در نقل و قول زیر ارائه شده است:

"اگر جایی حساب‌های دریافتی خیلی قلمبه می‌شود باید شک کرد که چرا این اتفاق می‌افتد. در فروش‌ها، متاسفانه خیلی از شرکت‌ها فروش‌هایی دارند که خوب شماره اقتصادی دارند، سربرگ دارند ولی آن شرکت‌ها گاهی نوعاً به سهامدار عمده برمی‌گردد. یعنی فروشی انجام شده که به یک قیمت که شاید قیمت هم گاهی غیر منصفانه هست و پایین‌تر از قیمت بازار است. ولی به بیرون می‌فروشد و در ظاهر همه مستندات و همه چیز جفت و جور است. از آن طرف هم تبدیل به حساب دریافتی می‌شود. حساب دریافتی همچنان متورم می‌شود. حساب‌های ما کمتر سراغ روزنامه رسمی می‌روند تا ببینند آن شرکتی که یک خرید کلان از این شرکت کرده است، چه کسی است. ما فقط هم اینکه یک سربرگی باشد، حساب بانکی داشته باشد، یک سری اطلاعات و مستنداتی که خیلی عادی در اختیار ما قرار می‌گیرد و وجود دارد و (اثبات می‌کند) فروش انجام شده، تحویل و تحول کالا اتفاق افتاده است (اتکا می‌کنیم)، گاهی هم نمی‌افتد. یعنی مستندات صوری تنظیم می‌شود".

با بررسی نقل و قول بالا ۸ مفهوم "تحریف حساب‌های دریافتی"، "معاملات با اشخاص وابسته"، "فروش جعلی"، "افشا نامناسب"، "انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها"، "نظام راهبری شرکتی"، "کنترل داخلی" و "کیفیت حسابرسی" شناسایی شده است. در سایر نقل قول‌ها نیز به مفاهیم فوق اشاره شده است که کدهای ایجاد شده بر اساس وجوه اشتراک دسته‌بندی شده و مقوله‌ها شکل گرفتند. مقوله‌ها مفهوم‌های برگرفته از داده‌ها هستند که نماینده پدیده‌ها بوده و در تحقیق به جای آن‌ها قرار می‌گیرند (استراوس و کرین، ۱۳۹۴).

در مرحله کدگذاری محوری، مقوله‌های اولیه مشابه ادغام شدند. مقوله‌های مربوط به هم، حول یک محور مشترک قرار گرفت و عنوان مناسب برای آن‌ها انتخاب شد. به عنوان مثال در نقل و قول بالا مفاهیم "تحریف حساب‌های دریافتی"، "معاملات با اشخاص وابسته"،

"فروش جعلی"، "افشا نامناسب" حول محور "راهبردها"، "انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها" حول محور "شرایط علی" و "نظام راهبری شرکتی"، "کنترل داخلی" و "کیفیت حسابرسی" حول محور "شرایط مداخله‌گر" قرار گرفتند. در مرحله کدگذاری گزینشی، "تقلب در صورت‌های مالی" به عنوان مقوله اصلی در فرآیند مورد بررسی تعیین شد.

در مرحله دوم تحقیق برای افزایش اعتبار و جامعیت الگوی بدست آمده از مرحله اول تحقیق، از رویکرد تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک استفاده شده است. در این مرحله مدارک مربوط به ۵ پرونده تقلب رسیدگی شده در سازمان بورس و اوراق بهادار با همکاری کارشناسان خبره مربوطه و ۱۰۰۰ گزارش حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بر اساس مفاهیم و مقوله‌های شناسایی شده در مرحله اول و به روش مشابه، کدگذاری، بررسی و طبقه بندی شد. گزارشات حسابرسی مزبور از سامانه اطلاع رسانی ناشران کدال استخراج گردید.

یافته‌های پژوهش

بر اساس تحلیل داده‌ها (اعم از مصاحبه‌ها و اسناد و مدارک موجود)، ۵ مقوله "شرایط علی"، "شرایط زمینه‌ای"، "شرایط مداخله‌گر"، "راهبردها" و "پیامدها" به شرح زیر شناسایی شدند.

شرایط علی: طبق نظر مصاحبه شوندگان، فشار عامل اصلی در ارتکاب به گزارش‌گری مالی متقلبانه است. مهمترین دلیل برای ارتکاب به تقلب در صورت‌های مالی اعمال فشار به مدیریت برای گزارش سود است. عدم توفیق مدیریت در تحقق پیش‌بینی‌های هیات مدیره و تحلیل‌گران بازار سرمایه، شرایط قرارداد وام، محدودیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت، ناتوانی شرکت در رقابت با دیگر شرکت‌های فعال در صنعت، لزوم کسب معیارهای تعیین شده توسط سهامدار عمده یا شرکت مادر و حمایت از قیمت سهم را می‌توان نمونه‌هایی از شکل سازمانی فشار دانست. افزون بر این، انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران می‌تواند انگیزه تقلب در صورت‌های مالی باشد. بنابراین فشار (با همه اشکال آن)، انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران به عنوان شرایط علی شناسایی شدند. شرایط علی معمولاً آن دسته از رویدادها هستند که بر پدیده‌ها اثر

می‌گذارند (استراوس و کرین، ۱۳۹۴) و به‌وجود آورنده مقوله اصلی هستند (هژبریان و همکاران، ۱۳۹۳). هر یک از طرح‌های تقلب (راهبردها)، با توجه به شرایط علی و پیامدهای منتج از آن توسط فرد متقلب انتخاب می‌شوند که در بخش ۵-۴ تشریح شده است.

شرایط زمینه‌ای: بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، طرح‌های تقلب در صورت‌های مالی در بستر فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استانداردهای حسابداری متولد می‌شوند. برای تدوین الگوی جامع تقلب در صورت‌های مالی، فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استانداردهای حسابداری کشور به عنوان شرایط زمینه‌ای (بستر) تعیین شدند. شرایط زمینه‌ای، مجموعه خاصی از شرایط هستند که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌شوند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را بوجود آورند که اشخاص با عمل خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند. شرایط زمینه‌ای به انسان می‌گویند چرا پدیده‌ای در برخی موارد محدود و در برخی دیگر سنگین است (استراوس و کرین، ۱۳۹۴).

عامل اول از شرایط زمینه‌ای، فرهنگ عمومی کشور است. فرهنگ عمومی مجموعه منسجم و نظام یافته‌ای از اهداف، ارزشها، عقاید، باورها، رسوم و هنجارهای مردم متعلق به یک جامعه بزرگ، قوم یا ملت است (خالدی، ۱۳۸۸).

عامل دوم از شرایط زمینه‌ای، نظام قانونی کشور است. تکالیف و محدودیت‌های اعمال شده در قوانین کشور، رفتار مدیران واحد تجاری در امر گزارشگری مالی را تعیین می‌کند. به عنوان مثال طوسی (۱۳۹۳) معتقد است، قانون تجارت علی‌رغم تاکید بر مفهوم دموکراسی شرکتی، حافظ منافع اکثریت و سهامدار عمده است. مواد ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ قانون تجارت و مواد ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸ و ۲۳۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، تکالیف لازم را در خصوص دفاتر تجاری و حساب‌های شرکت (نحوه تهیه ترازنامه و صورت سود و زیان) تجویز نموده است. اسکینی (۱۳۹۳) معتقد است، بر خلاف قانون گذار فرانسه که برای انتشار یا تسلیم عمده حساب‌های مالی خلاف واقع به صاحبان سهام مجازات کیفری معین کرده است (بند ۲ از ماده ۶-۲۴۲ L قانون تجارت فرانسه) قانون گذار کشور ما در این مورد پیش بینی خاصی نکرده است. بنابراین اگر عمل مدیران متضمن گزارش خلاف واقع راجع به حساب‌های شرکت باشد، باید با یکی از جرائم عام نظیر کلاهبرداری تطبیق داده شود. ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت شروع به کلاهبرداری و ماده ۲۵۸ این لایحه به تقسیم منافع موهوم و جرم ارائه ترازنامه غیر واقع توجه کرده است.

عامل سوم از شرایط زمینه‌ای، استاندارد حسابداری کشور است. روش‌های حسابداری که توسط استاندارد حسابداری تجویز می‌شوند می‌توانند بستر سوء استفاده از روش مزبور را فراهم کنند. به عنوان مثال استفاده از روش تجدید ارزیابی در شناسایی دارایی‌ها علی‌رغم تمام محدودیت‌های لحاظ شده توسط استاندارد، امکان سوء استفاده و تقلب در شناسایی دارایی‌ها را فراهم می‌کند.

شرایط مداخله‌گر: تحلیل اظهارات مصاحبه‌شوندگان نشان می‌دهد، عوامل دیگری در کنترل فرآیند گزارشگری مالی متقلبانه تأثیر دارند. این عوامل، نظام راهبری شرکتی، کنترل‌های داخلی و کیفیت حسابرسی هستند که به عنوان شرایط مداخله‌گر تعریف می‌شوند. شرایط مداخله‌گر، شرایط زمینه‌ای عمومی است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد (دانایی فرد، امامی، ۱۳۸۶).

راهبردها: دانایی فرد و امامی (۱۳۸۶) معتقدند راهبردها، کنش‌ها یا برهم کنش‌های خاصی هستند که از پدیده محوری منتج می‌شوند. در این بخش طرح‌های تقلب (راهبردهای) استخراج شده از مصاحبه‌ها، پرونده‌های تقلب و گزارش حسابرس مستقل بررسی می‌گردد.

درآمد ساختگی: درآمدهای ساختگی، جزو رویه‌های مرسوم متورم ساختن درآمدها و بستر ساز سوء استفاده از دارایی‌هاست. درآمد ساختگی شامل ثبت درآمد تحقق نیافته یا دستکاری مبالغ درآمد می‌شود. این طرح، به روش‌های زیر قابل انجام است.

۱. فروش جعلی: در خصوص شناسایی درآمد تحقق نیافته، اشخاص طرف حساب درآمد معمولاً اشخاصی با هویت جعلی هستند. روش دیگر، دستکاری مبلغ فروش و تغییر اقلام فاکتور برای انعکاس مبالغ بیشتر از مبلغ فروش است. مطالبات ساختگی (حساب‌های دریافتنی) در پی درآمد ساختگی ایجاد می‌شود. شخص متقلب سعی می‌کند با ارائه تاییدیه به حسابرس ماهیت جعلی این رویداد را مخفی کند. در صورتی که طرف حساب درآمد ساختگی شخص وابسته به واحد تجاری باشد، احتمال سوء استفاده از دارایی‌های واحد تجاری وجود دارد. این نوع تقلب با ایجاد تعهد برای شرکت نسبت به اشخاص ثالث در قالب قراردادهای صوری و غیر منطقی، خروج دارایی از واحد تجاری و تهاوتر تعهدات همراه است. در ادامه نمونه‌های واقع شده از این طرح در کشور ارائه می‌شود.

۲. *فروش صادراتی*: در این طرح تقلب، کالای صادراتی به یکی از شرکت‌های تحت کنترل اشخاص وابسته به صورت نسیه فروخته شده و پس از چند سال اقدامی بابت تسویه بدهی از طرف خریدار صورت نگرفته است. حساب‌های دریافتی ارزی ایجاد شده با حساب سهامدار عمده تهاتر شده و بدین طریق اثر آن از حساب‌های دریافتی خارج گردیده است. تهاتر مزبور در زمان وقوع بحران ارزی در کشور اتفاق افتاده است.

۳. *فروش دارایی ثابت*: در این طرح تقلب، دارایی ثابت و ارزشمند شرکت به ارزش کمتر از ارزش کارشناسی و بصورت نسیه به شخص الف فروخته می‌شود. به این ترتیب جریان خروج دارایی ثابت از واحد تجاری اتفاق افتاده و درآمد غیر عملیاتی در صورت سود و زیان شناسایی می‌شود. از سوی دیگر، واحد تجاری اقدام به خرید نسیه دارایی دیگر از شخص الف یا یکی از اشخاص وابسته به آنان می‌کند. خرید مزبور به ارزشی بیشتر از ارزش کارشناسی در دفاتر شناسایی می‌شود. افزون بر این، ممکن است دلیل وثیقه بودن دارایی مبادله شده، قابلیت انتقال دارایی خریداری شده از الف با ابهام اساسی همراه باشد. به این طریق، تعهدات شرکت نسبت به شخص ثالث ایجاد می‌شود. طی توافقنامه‌ای تعهدات بوجود آمده تهاتر خواهند شد.

از نظر زمانی، درآمد ساختگی در ایام پایانی دوره مالی ثبت می‌شود و اثر آن در دوره‌های آینده تعدیل می‌شود. برای پنهان کردن تقلب در دوره‌های مالی بعد اثر سود و زیانی این طرح ممکن است از طریق تعدیلات سنواتی و اثر ترازنامه‌ای آن از طریق حساب‌های دریافتی معکوس شود و یا با دیگر تعهدات شرکت در قبال اشخاص ثالث تهاتر شود.

شناسایی زود هنگام درآمد: درآمد باید زمانی شناسایی شود که تحقق یافته و یا قابل تحقق باشد و فرآیند کسب سود کامل شود. برخی از طرح‌های تقلب ممکن است موجب شناسایی زود هنگام درآمدها شود. در ادامه طرح‌های مرتبط با شناسایی زود هنگام درآمد که ممکن است در گزارشگری مالی متقلبانه استفاده شود بررسی می‌شود.

۱. *پیمان بلند مدت*: پیمان‌های بلند مدت یکی از مصادیق شناسایی زود هنگام درآمد هستند. استاندارد حسابداری شماره ۹ در خصوص "حسابداری پیمان‌های بلندمدت" روش در صد پیشرفت کار را تجویز کرده است. این روش در مقابل پدیده تقلب و دستکاری آسیب پذیر است. مدیران می‌توانند با دستکاری در صد پیشرفت کار و هزینه‌های برآوردی ساخت پروژه، درآمد را زودتر از موعد شناسایی کنند.

۲. فروش مشروط: در این طرح، درآمد فروش در حالی ثبت می‌شود که شرایط فروش کامل نشده و حقوق و ریسک مالکیت به خریدار منتقل نشده است. پیوست استاندارد حسابداری شماره ۳ با عنوان "درآمد عملیاتی"، فروش مشروط را در چهار طبقه "به شرط نصب، بازرسی و غیره"، "منوط به تایید خریدار همراه با برخورداری خریدار از حق محدود برای برگشت کالا"، "تحویل امانی کالا برای فروش" و "فروش نقدی هنگام تحویل کالا" دسته بندی کرده است. این استاندارد، شناسایی درآمد را منوط به تحقق شرایط فروش می‌داند.

۳. فروش به واسطه‌ها: این مفهوم عبارت است از فروش عمده و غیر عادی محصولات به توزیع کنندگان. انگیزه شبکه توزیع برای خرید محصول در حجم بالا برخورداری از تخفیف بالا و شرایط پرداخت طولانی مدت است.

۴. قراردادهای فروش و بازخرید: در این طرح فروشنده هنگام فروش موافقت می‌کند که همان کالا را بعداً بازخرید کند. همچنین ممکن است فروشنده اختیار بازخرید کالا را داشته باشد یا خریدار این اختیار را داشته باشد که فروشنده را ملزم به بازخرید کالا کند. عطف به استاندارد مذکور در این طرح هرگاه فروشنده، مخاطرات و مزایای مالکیت را برای خود نگه داشته باشد، حتی با وجود انتقال مالکیت قانونی به خریدار، معامله ماهیتاً جهت دستیابی به منابع مالی انجام گرفته و درآمد شناسایی نمی‌شود.

تحریف حساب‌های دریافتی: دو طرح متداول در تحریف حساب‌های دریافتی، ایجاد مطالبات ساختگی و شناسایی نادرست ذخیره مطالبات مشکوک‌الوصول و هزینه آن است. حساب‌های دریافتی ابزاری برای استفاده در فرآیند تقلب است که طی آن واحد تجاری به شکل غیر واقعی سود گزارش کرده و با آراستن دارایی‌های جاری، نسبت جاری و نسبت آبی اقدام به دریافت تسهیلات می‌نماید.

تحریف موجودی‌ها: طبق استاندارد حسابداری شماره ۸ ایران با عنوان "حسابداری موجودی مواد و کالا"، موجودی مواد و کالا باید بر مبنای "اقل بهای تمام شده و خالص ارزش فروش" تک تک اقلام یا گروه‌های اقلام مشابه، اندازه‌گیری شود. امتناع از کاهش ارزش موجودی‌ها منجر به بیش‌نمایی دارایی‌ها و عدم تطابق مناسب هزینه‌ها و درآمدها می‌شود. افزون بر این، ممکن است به دلیل تخلف در شمارش عینی موجودی‌ها، ارزش آن به درستی ارائه نشود. در طرح‌های تقلبی که در آن موجودی کالای ساختگی و جعلی ارائه می‌شود، مستندات جعلی

مانند کارت انبار موجودی‌ها و یا رسید تحویل موجودی ایجاد می‌شود. تغییر در روش ارزیابی موجودی‌ها، احتساب کالای امانی دیگران در موجودی‌ها و تخصیص هزینه‌های ناشی از عدم استفاده موثر از امکانات تولیدی و نیروی انسانی، هزینه‌های جذب نشده به بهای تمام شده و عدم تفکیک ضایعات عادی و غیر عادی؛ دیگر طرح‌های تقلب مربوط به تحریف موجودی‌ها هستند.

تحریف *دارایی ثابت*: دارایی ثابت به روش‌های مختلف در طرح‌های تقلب مورد استفاده قرار می‌گیرد. نکته قابل توجه در مورد دارایی‌های ثابت امکان سوء استفاده از دارایی‌های واحد تجاری است که در اغلب طرح‌های تقلب در کشور استفاده شده است. در ادامه برخی از روش‌های ارائه نادرست دارایی ثابت بیان می‌شود.

۱. *ثابت دارایی موهوم*: یکی از ساده‌ترین روش‌ها برای ارائه نادرست دارایی‌ها، ثبت دارایی‌های موهوم است. ایجاد دارایی موهوم در دفاتر، کلیت ترازنامه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این روش معمولاً از حساب سرمایه و مطالبات سهامداران استفاده می‌شود. در این روش به آسانی می‌توان مستندات مربوط را جعل کرد.

۲. *استهلاک انباشته، ممانعت از کاهش ارزش دارایی و تقلب در تجدید ارزیابی دارایی‌ها*: در حسابداری، استهلاک به عنوان تخصیص بهای تمام شده دارایی در طول زمان تعریف می‌شود. به دلیل اینکه مبلغ استهلاک یک رقم محاسبه شده است لذا با تغییر روش محاسبه یا عناصر برآورد شده قابل تغییر است. تغییر هزینه استهلاک با هدف ارائه نادرست دارایی و هزینه، علامت هشدار در خصوص وقوع اقدام متقلبانه است. افزون بر این، استاندارد حسابداری شماره ۳۲ ایران با عنوان "کاهش ارزش دارایی‌ها" کاهش ارزش دارایی ثابت را لازم می‌داند. شرکت‌ها به منظور بیش نمایی دارایی‌ها و برای تعدیل اثر نامطلوب کاهش ارزش بر نتایج مالی شرکت این الزامات را نادیده می‌گیرند. در مقایسه با استهلاک و کاهش ارزش دارایی‌ها، افزایش ارزش دارایی مطرح می‌شود. استاندارد حسابداری شماره ۱۱ با عنوان "دارایی‌های ثابت مشهود" استفاده از روش "تجدید ارزیابی" را به رسمیت شناخته است. امکان استفاده از تجدید ارزیابی نیز می‌تواند فرصت بیش نمایی دارایی‌ها را برای مدیران فراهم کند.

۳. احتساب هزینه‌ها به بهای تمام شده: اجزای بهای تمام شده، مخارج قابل احتساب و زمان احتساب مخارج به بهای تمام شده در استاندارد حسابداری شماره ۱۱ ایران ارائه شده است. استاندارد حسابداری شماره ۱۳ نیز با عنوان "حسابداری مخارج تامین مالی" شرایط احتساب مخارج تامین مالی به بهای تمام شده را مطرح کرده است. تخصیص هزینه‌های دوره (مانند هزینه‌های مالی هزینه تعمیرات) به بهای تمام شده دارایی باعث بیش نمایی دارایی خواهد شد.

۴. تقلب در شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان دارایی: استاندارد حسابداری شماره ۱۷ شرایط شناسایی یک پروژه تحقیق و توسعه در جریان را به عنوان یک دارایی نامشهود بیان می‌کند. بیشتر شرکت‌ها علاقمند این مخارج را به عنوان دارایی شناسایی کنند. به این ترتیب، با بیش نمایی دارایی‌ها، اثر هزینه تحقیق و توسعه بر سود دوره جاری را حذف می‌کنند.

عدم شناسایی بدهی و هزینه: ساده‌ترین روش برای پنهان کردن بدهی‌ها و هزینه‌ها، عدم ثبت آن‌هاست. با توجه به اینکه با ثبت نکردن کامل هزینه و بدهی می‌توان سود قبل از مالیات را به طور چشمگیری افزایش داد لذا این روش در اقدامات متقلبانه بسیار مورد توجه است.

کاهش هزینه‌ها از طریق تغییر در برآوردها: هرگونه تغییری در برآوردها بر هزینه شناسایی شده تأثیرگذار است. مقدار هزینه استهلاک، هزینه مطالبات مشکوک الوصول محاسبه شده می‌تواند بر مقدار سود گزارش شده دوره تأثیرگذار باشد.

برگشت از فروش، ذخایر و تضمین‌ها: ثبت و ارائه نادرست ذخیره برگشت از فروش و ذخایر مرتبط با تضمین محصولات را می‌توان نمونه‌ای از روش‌های تقلب دانست. در تقلبات مزبور اثر نامطلوب شناسایی ذخایر بر صورت‌های مالی تعدیل می‌شود. افزون بر این ممکن است شرکت به طور مشابه با مزایای پایان خدمت کارکنان رفتار کند.

به هزینه بردن مخارج سرمایه‌ای: این طرح عکس طرح "احتساب هزینه‌ها به بهای تمام شده" است و موجب کم نمایی دارایی و بیش نمایی هزینه‌ها می‌شود.

کم نمایی سرقفلی: عملیات حسابداری مربوط به مستهلک کردن سرقفلی با توجه به تأثیر منفی آن بر سود دوره‌های آینده، این انگیزه را در شرکت‌ها تقویت می‌کند که سرقفلی را به اندازه حداقل شناسایی کنند.

طبقه بندی نادرست اقلام صورت‌های مالی: در برخی از طرح‌های تقلب، دارایی‌های جاری از محل دارایی‌های بلند مدت متورم و یا با تزریق بدهی جاری در طبقه بدهی بلند مدت، بدهی‌های جاری کم‌نمایی می‌شوند. اثر خالص این اقدام در نسبت‌های مالی نمایان می‌شود.

عدم افشا بدهی‌های احتمالی: اصطلاح "بدهی احتمالی" برای بدهی‌هایی بکار می‌رود که معیارهای شناخت را احراز نمی‌کنند. عدم افشای مناسب بدهی‌های احتمالی موجب گمراهی سرمایه‌گذاران می‌شود.

رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه: رویدادهای پس از پایان دوره مالی شامل رویدادهای تعدیلی و غیرتعدیلی می‌شود که باید اعمال و یا افشا شوند. افراد متقلب معمولاً از گزارش و افشای اثر نامطلوب مواردی مانند تعیین تکلیف دعاوی حقوقی، کاهش ارزش دارایی خودداری می‌کنند. یکی دیگر از موارد با اهمیت در این خصوص اعلام انحلال واحد تجاری یا توقف فعالیت‌های آن است که مبنای حسابداری را تغییر می‌دهد.

تقلب مدیر: استاندارد حسابداری شماره ۶، موارد تقلب را جزئی از اصلاح اشتباه می‌داند که اثر آن از طریق تعدیلات سنواتی عطف به ماسبق می‌شود. بنا بر این، تعدیلات سنواتی و بررسی اقلام لحاظ شده در آن می‌تواند در کشف و ردگیری موارد تقلب راه گشا باشد.

تغییرات حسابداری: استاندارد حسابداری شماره ۶ دو نوع تغییرات حسابداری را معرفی می‌کند. این موارد شامل تغییر در برآورد و رویه حسابداری می‌شود. نحوه برخورد با هر یک از تغییرات مزبور متفاوت است. تغییرات حسابداری می‌تواند در معرض سوء استفاده متقلبان قرار گیرد. به عنوان مثال، در صورتی که تغییر در رویه حسابداری منجر به ارائه عملکرد ضعیف شرکت شود، مدیر از عطف رویه جدید به گذشته خودداری می‌نماید. به همین شکل، ممکن است مدیر اثر با اهمیت تغییر در برآورد طول عمر مفید یا ارزش اسقاط دارایی و یا تغییرات مربوط به برآورد ذخیره تضمین محصول یا سایر بدهی‌ها را افشا نکند.

معاملات با اشخاص وابسته: معاملات با اشخاص وابسته از موارد با اهمیتی است که به طور عمده در طرح‌های سوء استفاده از دارایی‌ها، درآمد ساختگی و تحریف دارایی‌ها استفاده می‌شود. مطالعه پرونده‌های تقلب در گزارشگری مالی موید استفاده وسیع از این نوع معاملات است که به طور عمده طی قراردادهای صورتی انجام می‌شوند.

پیامدها: پیامدها، خروجی حاصل از استخدام راهبردها هستند (دانایی فرد، امامی، ۱۳۸۶). در تحقیق حاضر پیامدها در دو سطح صورت‌های مالی و بازار سرمایه طبقه بندی شده‌اند. استفاده از طرح‌های تقلب در سطح صورت‌های مالی با توجه به شرایط علی منجر به نتایج زیر می‌شود.

۱. *بیش‌نمایی درآمدها*: بیش‌نمایی درآمدها، معمولاً در نتیجه استفاده از طرح درآمد ساختگی و شناسایی زود هنگام درآمدها در پی عدم موفقیت شرکت در کسب ارقام پیش‌بینی شده سود واقع می‌شود. اعمال فشار بر مدیران شرکت از سوی اعتبار دهندگان، سهامداران عمده، شرکت مادر و یا تحلیل‌گران انگیزه لازم برای ارتکاب این نوع تقلب را فراهم می‌کند. این فشار ممکن است در دستیابی به الزامات بودجه اعمال شود. افزون بر عامل فشار، متقلبان ممکن است در پی سوء استفاده از دارایی‌ها، از این طرح‌ها استفاده کنند.

۲. *بیش‌نمایی دارایی‌ها*: بیش‌نمایی دارایی‌ها در نتیجه تحریف حساب‌های دریافتی، تحریف موجودی‌ها، ثبت دارایی موهوم، تحریف استهلاک انباشه، ممانعت از کاهش ارزش دارایی، تقلب در تجدید ارزیابی دارایی‌ها، احتساب نادرست هزینه‌ها به بهای تمام شده دارایی و شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان دارایی، واقع می‌شود.

۳. *کم‌نمایی بدهی‌ها و هزینه‌ها*: کم‌نمایی بدهی‌ها و هزینه‌ها در نتیجه عدم شناسایی بدهی و هزینه، کاهش هزینه‌ها از طریق تغییر در برآوردها، احتساب هزینه‌ها به بهای تمام شده دارایی و عدم شناسایی ذخایر و هزینه‌های تضمین واقع می‌شود. استفاده از این طرح‌ها منجر به ارائه سود بیشتر در صورت‌های مالی و بهبود حاشیه سود، نسبت‌های بدهی و اهرمی می‌شود.

۴. *کم‌نمایی درآمدها و دارایی‌ها*: بیش‌نمایی بدهی‌ها و هزینه‌ها: به نظر مصاحبه شونده‌گان، انگیزه اصلی این نوع از تقلب در صورت‌های مالی جلوگیری از هزینه‌های سیاسی است و در عمده موارد در شرکت‌های غیر دولتی یا خانوادگی اتفاق می‌افتد. ممکن است واحد تجاری به دلیل مقاصد مالیاتی یا نمایش رشد سود در دوره‌های آینده، اقدام به کم‌نمایی سود دوره جاری نماید. شناسایی بلادرنگ مخارج سرمایه‌ای که باید طی دوره‌های متمادی مستهلک شود، منجر به کاهش سود و در نتیجه کاهش مالیات خواهد شد. در برخی موارد تقلب، ممکن است طی فرآیند خصوصی سازی یک شرکت دولتی مدیران با طرح قبلی اقدام به کم‌نمایی درآمدها و دارایی‌ها، بیش‌نمایی بدهی‌ها و هزینه‌ها نمایند. به این ترتیب، با پایین آوردن ارزش

سهام شرکت آنرا تحصیل نمایند و پس از تحصیل سهام شرکت با گزارش عملکرد واقعی آن ارزش سهام شرکت را افزایش دهند و به این طریق منتفع شوند.

۵. *افشای نامناسب*: صورت‌های مالی و یادداشتهای توضیحی باید حاوی اطلاعات مفید برای کاربران باشد. یادداشتهای ضمیمه باید شامل توضیحات، جداول و هرگونه اطلاعاتی باشد که مانع از گمراهی سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دیگر استفاده‌کنندگان شود. هیات‌مدیره مسئول ارائه مناسب اطلاعات با اهمیت در صورت‌های مالی و گزارش هیات‌مدیره است. تقلب مرتبط با افشای نامناسب معمولاً طبقه بندی نادرست اقلام صورت‌های مالی، عدم افشای بدهی‌های احتمالی، رویدادهای پس از تاریخ ترازنامه، تقلب مدیر، تغییرات حسابداری و معاملات با اشخاص وابسته است.

در سطح بازار سرمایه، صورت‌های مالی متقلبانه منجر به تقسیم منافع موهوم و خروج منابع شرکت می‌شوند. این منافع به واسطه پاداش از سهامداران واحد تجاری به مدیران منتقل می‌شوند. افزون بر این منابع واحد تجاری به واسطه سیاست تقسیم سود (تقسیم سود از محل سود و زیان انباشته) به نفع سهامدار عمده از شرکت خارج می‌شود. صورت‌های مالی متقلبانه با تأثیر بر قیمت سهام شرکت، باعث تغییرات غیر منطقی قیمت سهام و ارزش سرمایه‌گذاران شده و اعتماد سرمایه‌گذاران به نظام گزارشگری مالی را خدشه‌دار می‌کند. گزارشگری مالی متقلبانه با گمراه کردن سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و دولت باعث اختلال در نظام توزیع عادلانه ثروت می‌شود. بنابراین منابع اقتصادی محدود به سمت بنگاه‌های اقتصادی ناموفق هدایت می‌شود که نتیجه آن اتلاف منابع و تصرف منابع به نفع افراد خاص است.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های تحقیق، الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در کشور به شرح شکل ۱ ارائه می‌شود.



شکل (۱): الگوی جامع گزارشگری مالی متقلبانه در ایران

طبق نتایج تحقیق، فشار به عنوان عامل اصلی و شرط علی اولیه در ارتکاب به گزارشگری مالی متقلبانه شناسایی شده است. اعمال فشار به مدیریت برای گزارش سود، عدم توفیق شرکت در تحقق پیش بینی‌ها، شرایط قرارداد وام، محدودیت ماده ۱۴۱ قانون تجارت، ناتوانی شرکت در رقابت با دیگر شرکت‌های فعال در صنعت، لزوم کسب معیارهای تعیین شده توسط سهامدار عمده یا شرکت مادر و حمایت از قیمت سهم اشکال مختلف فشار هستند. افزون بر این، انگیزه پاداش مدیران، انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها، هزینه‌های سیاسی، مقاصد مالیاتی و تحصیل شرکت توسط مدیران نیز بر گزارشگری مالی متقلبانه موثرند. نکته قابل توجه در اظهارات خبرگان وجود انگیزه سوء استفاده از دارایی‌ها و تأثیر آن در صورتهای مالی در بیشتر طرح‌های تقلب در کشور است. وجود قراردادهای مبهم، تهاتر حساب‌ها و حضور فعال اشخاص وابسته در طرح‌های تقلب علامتی از وجود انگیزه سوء استفاده از دارایی‌هاست.

هر یک از طرح‌های تقلب در گزارشگری مالی (راهبردها) با توجه به شرایط علی در بستر فرهنگ عمومی، نظام قانونی و استاندارد حسابداری کشور به عنوان شرایط زمینه‌ای و نظام راهبری شرکتی، کنترل داخلی و کیفیت حسابرسی به عنوان شرایط مداخله‌گر متولد می‌شوند.

با توجه به بروز نبودن قانون تجارت کشور و نوپا بودن اجرای ابزارهای راهبری شرکتی و حسابرسی داخلی در کشور و محدودیت‌های حسابرسی مستقل بستر وقوع تقلب در ارائه صورت‌های مالی در کشور فراهم است. پیامد طرح‌های گزارشگری مالی متقلبانه در دو سطح صورت‌های مالی و بازار سرمایه قابل بررسی است. در سطح صورت‌های مالی، این پدیده با توجه به علت وقوع آن و طرح تقلب استفاده شده منجر به بیش‌نمایی درآمدها، بیش‌نمایی دارایی‌ها، کم‌نمایی بدهی و هزینه، کم‌نمایی درآمد و دارایی و بیش‌نمایی بدهی و هزینه و افشای نامناسب می‌شود. بنابراین مطالعه صورت‌های مالی در پیش‌بینی احتمال وقوع تقلب مفید است. افزون بر این در سطح بازار سرمایه گزارشگری مالی متقلبانه منجر به تقسیم منافع موهوم می‌شود. صورت‌های مالی متقلبانه علاوه بر گمراهی سرمایه‌گذاران، اعتماد آنان به نظام گزارشگری مالی را خدشه‌دار می‌کند. در پی تقلب در صورت‌های مالی منابع اقتصادی محدود به سمت بنگاه‌های اقتصادی ناموفق هدایت می‌شوند که نتیجه آن اتلاف منابع و تصرف منابع به نفع افراد خاص است.

پی‌نوشت

- | | |
|--------------------------|-----------------------------|
| ۱ Fraud Triangle | ۲ Corruption |
| ۳ Asset Misappropriation | ۴ Financial Statement Fraud |

منابع

- استاندارد ۲۴۰ حسابرسی، مسئولیت حسابرس در ارتباط با تقلب و اشتباه، در حسابرسی صورت‌های مالی (تجدیدنظر شده ۱۳۸۴).
- استراوس، انسلم؛ کریبن، جولیت. ۱۳۹۴. مبانی پژوهش کیفی فون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- اسکینی، ربیعا. ۱۳۹۳. حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، تهران: سمت.
- پورحیدری، امید؛ بذرافشان، سعید. ۱۳۹۰. اهمیت بسترهای خطر تقلب از دیدگاه حسابرسان مستقل. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۳، ۱۰، ۱-۲۵.
- خالدی، سمانه. ۱۳۸۸. فرهنگ عمومی. دانشگاه باقرالعلوم، <http://www.pajoohe.com/fa>.
- دانایی فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی. ۱۳۸۶. استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد. اندیشه مدیریت، ۱، ۲، ۶۹-۹۷.
- شیخ، محمد جواد؛ نیکبخت، محمدرضا. ۱۳۸۳. بررسی اهمیت شاخصهای تقلب بالقوه مالی. مطالعات حسابداری، ۵، ۶۱-۹۴.
- صدیقی کمال، لیلا. ۱۳۹۲. تقلب در صورت‌های مالی بر اساس گزارش انجمن بازرسان رسمی تقلب، مجله حسابرس، ۶۴، ۱۱۶-۱۲۰.
- طوسی، عباس. ۱۳۹۳. تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌ها، تهران: شهر دانش.
- فرحناکیان، فرشید. ۱۳۸۸. قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- فرهنگی، علی اکبر؛ صفرزاده، حسین. ۱۳۸۷. روش‌های تحقیق در علوم انسانی، تهران: پیام پویا.
- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی.
- کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، استانداردهای حسابداری، سازمان حسابرسی.
- مرادی، جواد؛ رستمی، راحله؛ زارع، رضا. ۱۳۹۳. شناسایی عوامل خطر مؤثر بر احتمال وقوع تقلب در گزارشگری مالی از دید حسابرسان و بررسی تأثیر آن‌ها بر عملکرد مالی شرکت. پیشرفت‌های حسابداری، ۶، ۱، ۱۴۱-۱۷۳.
- مشایخی، بیتا و همکاران. ۱۳۹۲. تدوین مدل کیفیت حسابرسی، فصلنامه بورس و اوراق بهادار، ۶، ۲۳، ۱۰۳-۱۳۷.
- هژبریان، هانیه؛ همکاران. ۱۳۹۳. ارائه الگوی روانشناختی شکوفایی انسان بر اساس نظریه زمینه‌ای: یک پژوهش کیفی. روانشناسی تربیتی، ۳۴، ۱۰، ۲۰۷-۲۳۲.
- Albrecht, Ch and et al, 2015. The Role of Power in Financial Statement Fraud Schemes, *Journal of Business Ethics*, 131, 4, 803-813.
- Association of Certified Fraud Examiners. 2014. *REPORT TO THE NATIONS ON OCCUPATIONAL FRAUD AND ABUSE*.

- Kassem, R; Higson, A. 2012. The New fraud Triangle Model, *Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences*, 3, 191 -195.
- Kranacher, M; Riley, R; Wells, J. 2011. *Forensic Accounting and Fraud Examination*, New York: John Willy and Sons.
- Mohamed, N; Schachelor, M. 2014. Financial Statement Fraud Risk Mechanisms and Strategies: the Case Studies of Malaysian Commercial Companies, *Procedia – Social and Behavioral Science*, 145, 321 – 329.
- Rezaee, Z. 2005. Causes, consequences, and deterrence of financial statement fraud. *Critical Perspectives on Accounting*, 16, 277-298.
- Rezaee, Z; Riley, R. 2010. *Financial Statement Fraud*, New Jersey: Willy

